



## آثار فردی رعایت حق مؤمن در کلام امام رضا(ع)

امام رضا(ع) در تعیین حقوق مؤمن بر مؤمن تصریح دارند: «به او ستم نکند، با او دغلی نکند، به او خیانت نکند، او را وا نگذارد، از او غیبت نکند، دروغگویش نسبت به این یعنی این طور نیست که بایسته‌هایی که امام رضا(ع) در تعریف حق مؤمن بر مؤمن بیان کرده‌اند صرفاً جنبه اجتماعی داشته باشد، بلکه جنبه‌های فردی هم دارد و رعایت یا عدم رعایت آن‌ها در حوزه فردی نیز اثر دارد.

به عبارت بهتر اگر در روابط فردی دقت‌های لازم را نداشته باشیم ناخودآگاه در عین آسیب زدن به فرد مقابل، فرهنگ ناسالمی هم در جامعه ایجاد شده و رواج می‌یابد و این فرهنگ ناسالم موجب می‌شود در بُعد الهی مجموعه‌ای از نعمت‌ها از دست برود و در بُعد اجتماعی هم افول کنیم و آسیب‌های کلان ببینیم.

برای مثال ظلم در روایات دینی ما بار معنایی مستقل، عمیق و گسترده اجتماعی دارد، اما اگر دوست و برادر دینی من به دلیل اطلاعات اشتباهی که در فضای مجازی و خصوصی به او داده‌ام در مسیر غلط بروم، ظلم کرده‌ام و ظالم هستم و باید خسارت‌های وارده را کاملاً جبران کنم یا برای مثال در زمان کرونا اگر کسی در امور بهداشتی کاستی و کم‌کاری می‌کرد و سبب بیماری دیگری می‌شد بنابر منطق دینی به او ظلم کرده و باید آن خسارت را جبران می‌کرد!

بنابر توصیه امام رضا(ع) درباره رعایت حقوق برادر دینی، علاوه بر اینکه نباید به برادر دینی و ایمانی خود ظلم کنیم، نباید با او غش (فریب) داشته باشیم، من فروشنده اگر از عیب کالا مطلع هستم و یا اگر خریدار از کاهش ارزش پول خبر دارد و این اطلاعات را در اختیار مخاطب خود قرار ندهد، غش کرده و این خیانت محسوب می‌شود و برادر دینی ما را در معرض آسیب قرار می‌دهد.

علاوه بر این، در روابط فردی و کلامی هم باید رعایت کنیم که مخاطب ما آسیب نبیند. آخرین بایسته محوری در روابط فردی براساس حدیث امام رضا(ع) آن است که بعضاً در این روابط تحت تأثیر عواملی، تعبیر رفتار می‌دهیم مثل خشم و غضب یا دلخوری و... این طبیعی است که چنین احساسی را تجربه کنیم اما بنابر آموزه‌های دینی اجازه نداریم این احساس را مبنای عمل خود قرار دهیم حتی به اندازه گفتن «آف» به‌ویژه در رابطه با پدر و مادر که قرآن چنین تغییر ادبیاتی را به ما اجازه نمی‌دهد و در تعبیر روایت رضوی است که ما حق نداریم تغییر کلام داشته باشیم، چون این تغییر آثار سوء دارد و دوستی و علقه را از بین می‌برد. به عبارت دیگر، این تغییر کلامی به قدری آسیب‌رسان است که حتی دوستی‌ها را قطع می‌کند. اگر این تغییر کلامی از آف بالاتر رفت و حالت پرخاش و دادوبیداد به خود گرفت و موجب شد انسان به دیگری بگوید تو دشمن منی، در حالت کفر قرار می‌گیرد. اگر بالاتر رفت و سبب شد به برادر دینی خود تهمت بزند، قلب به نارسایی‌های اخلاقی آلوده و تنش‌زا و مشکل‌آفرین می‌شود... ایمان در قلب از بین می‌رود مثل نمکی که در آب ریخته می‌شود و آن را شور کرده و از خالصی درمی‌آورد!



در آموزه‌های دینی ما، حقوق جایگاهی مهم دارند و ابواب مختلفی در این باره گشوده و تصریح شده است؛ مثل حق مؤمن بر مؤمن که در حدیثی منتسب به امام رضا(ع) شامل «در دل، او را دوست بدارد، با مالش به او کمک برساند، او را در برابر کسی که به وی ستم کند، یاری دهد، اگر مسلمانان غنیمت و خراجی داشتند و او غایب بود، سهم او را برایش بگیرد، هر گاه درگذشت، تأقیرش او را تشییع کند، به او ستم نکند، با او دغلی نکند، به او خیانت نکند، او را وا نگذارد، از او غیبت نکند، دروغگویش نشمارد» می‌شود؛ در گفت‌وگو با حجت الاسلام دکتر محسن ادیب‌بهروز، استاد سطوح عالی حوزه علمیه و کارشناس مذهبی در بررسی چرایی توصیه‌های حضرت ثامن الحجج (ع) به رعایت این حقوق گفت‌وگو کرده‌ایم که مرور می‌شود:

■ **به منظور درک عمیق از حقوقی که امام رضا(ع) درباره مؤمن نسبت به مؤمن بیان کرده‌اند، چطور باید معنائشناسی و این روایت را تبیین و نهادینه کرد؟**

معمولاً در گفت‌وگو از احادیث معتقدیم با توجه به آنکه فرمایش معصوم یا قرآن شریف همسویی دارد، همان ویژگی‌های قرآن را داراست، از این رو، همان‌طور که آیات قرآن مثل قطعات پازل کلان هستند و همین پازلی بودن از عوامل اصلی تحریف‌ناپذیری قرآن توسط بشر شده‌است، کلام معصوم هم به دلیل همسویی با کلام الله ویژگی پازلی دارد؛ یعنی در هر موضوعی که می‌خواهیم از این کلام مبارک اطلاعاتی بدست آوریم، اگر سراغ پازل برویم برداشتمان به واقع نزدیک شده و خطای فهم‌بشری در آن کاهش می‌یابد.

در این کلام منتسب به امام رضا(ع) نیز وقتی به اصول کافی مرحوم کلینی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم ایشان هم این موضوع را به شکل پازل مطرح کرده و در بیان روایات مرتبط با حق مؤمن بر مؤمن، بایی را آورده است. البته در این باره دو نقل قول داریم؛ یکی از امام صادق(ع) و یک قول از



موقوفات امام رضا(ع) را باید مهم‌ترین و بزرگ‌ترین موقوفات دنیا به‌شمار آورد. موقوفاتی که هرچند در ابتدا در اطراف حرم مطهر رضوی و برای کمک به زائران آن حرم مطهر وقف می‌شد، اما در گذر زمان گسترش پیدا کرد و دامنه و وسعت آن از مرزهای ایران نیز فراتر رفت. اموال و املاکی که خرید و فروش «اصل» آن‌ها موقوف شده و منافع و درآمدهای حاصل از آن به مصارف تعیین شده در وقف نامه‌ها می‌رسد. در میان موقوفات، چه موقوفات عام و چه موقوفات خاص، بخشی از موقوفات نیز به زمان‌های خاص اختصاص پیدا کرده و از جمله این موقوفات، مواردی است که مصارف آن به ماه مبارک رمضان معطوف شده است.

■ **موقوفه روضه‌خوانی برای روزهای قدر**

از جمله این موقوفات که مهر آن به سال ۱۳۱۶ هجری

شرح حدیث رضوی در بارخ حق مؤمن بر مؤمن در گفت‌وگو با استاد سطوح عالی حوزه علمیه

## حقوقی که آرامش و خوشبختی جامعه بسته به آن‌هاست



در مورد اول راویان تقطیع کرده‌باشند (برای همین نگاه پازلی به روایات اهمیت دارد و باید کوشید قطعات این پازل را کنار هم قرار داد) بنابر این بایسته‌ها متعدد است و امکان دارد راویان حدیث برخی از آن‌ها را تقطیع کرده باشند و قبل و بعدش را نیآورده باشند.

■ **با توجه به آنکه قول و فعل معصوم(ع) بی‌هدف و بی‌دلیل نیست، امام رضا(ع) در بیان این حقوق و توصیه جامعه‌ایمانی به رعایت آن در حق یکدیگر چه هدف غایی را دنبال کرده‌اند و در صدر رسیدن به چه نقطه‌ای از کمال در جامعه بوده‌اند؟**

در زمان پیامبر اکرم(ص) وقتی حضرت(ص) وارد مدینه شدند دو مأموریت الهی داشتند؛ یعنی بلاغ مبین که همه انبیا و اولیاءالله داشته‌اند، اما مأموریت منحصر به فرد ایشان تحقق جامعه‌الهی بود؛ یعنی نبی خاتم(ص) به تحقق جامعه‌الهی یا به تعبیر امروزی تمدن نوین اسلامی مأمور شدند و این مأموریت را به انجام رساندند و تمدن نبوی را پایه‌گذاری کردند. درباره حضرت حجت(عج) هم این مأموریت وجود دارد و

در مورد اول راویان تقطیع کرده‌باشند (برای همین نگاه پازلی به روایات اهمیت دارد و باید کوشید قطعات این پازل را کنار هم قرار داد) بنابر این بایسته‌ها متعدد است و امکان دارد راویان حدیث برخی از آن‌ها را تقطیع کرده باشند و قبل و بعدش را نیآورده باشند.

■ **با توجه به آنکه قول و فعل معصوم(ع) بی‌هدف و بی‌دلیل نیست، امام رضا(ع) در بیان این حقوق و توصیه جامعه‌ایمانی به رعایت آن در حق یکدیگر چه هدف غایی را دنبال کرده‌اند و در صدر رسیدن به چه نقطه‌ای از کمال در جامعه بوده‌اند؟**

در زمان پیامبر اکرم(ص) وقتی حضرت(ص) وارد مدینه شدند دو مأموریت الهی داشتند؛ یعنی بلاغ مبین که همه انبیا و اولیاءالله داشته‌اند، اما مأموریت منحصر به فرد ایشان تحقق جامعه‌الهی بود؛ یعنی نبی خاتم(ص) به تحقق جامعه‌الهی یا به تعبیر امروزی تمدن نوین اسلامی مأمور شدند و این مأموریت را به انجام رساندند و تمدن نبوی را پایه‌گذاری کردند. درباره حضرت حجت(عج) هم این مأموریت وجود دارد و

در مورد اول راویان تقطیع کرده‌باشند (برای همین نگاه پازلی به روایات اهمیت دارد و باید کوشید قطعات این پازل را کنار هم قرار داد) بنابر این بایسته‌ها متعدد است و امکان دارد راویان حدیث برخی از آن‌ها را تقطیع کرده باشند و قبل و بعدش را نیآورده باشند.

■ **با توجه به آنکه قول و فعل معصوم(ع) بی‌هدف و بی‌دلیل نیست، امام رضا(ع) در بیان این حقوق و توصیه جامعه‌ایمانی به رعایت آن در حق یکدیگر چه هدف غایی را دنبال کرده‌اند و در صدر رسیدن به چه نقطه‌ای از کمال در جامعه بوده‌اند؟**

در زمان پیامبر اکرم(ص) وقتی حضرت(ص) وارد مدینه شدند دو مأموریت الهی داشتند؛ یعنی بلاغ مبین که همه انبیا و اولیاءالله داشته‌اند، اما مأموریت منحصر به فرد ایشان تحقق جامعه‌الهی بود؛ یعنی نبی خاتم(ص) به تحقق جامعه‌الهی یا به تعبیر امروزی تمدن نوین اسلامی مأمور شدند و این مأموریت را به انجام رساندند و تمدن نبوی را پایه‌گذاری کردند. درباره حضرت حجت(عج) هم این مأموریت وجود دارد و

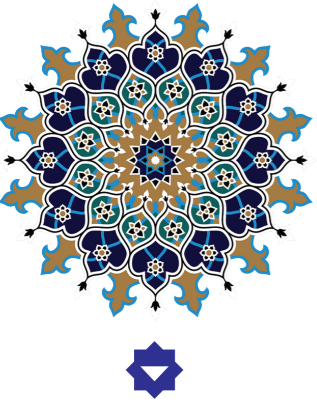
■ **موقوفه‌ای برای چای و قند کشیک‌خانه حرم**
موقوفه دیگر، مربوط به «مصطفی قلی خان افشار» مشتمل بر عواید تعدادی از مزارع است که درآمد آن



اموری که در حدیث رضوی تصریح شده، چیست؟ در پاسخ به این پرسش باید بایسته‌ها بررسی شود؛ حضرت ثامن الانص(ع) نخست بر علاقه و محبت تأکید کرده‌اند؛ یعنی علقه دو نفر قلبی باشد و نسبت به برادر دینی علاقه قلبی داشته باشیم نه زبانی، یعنی واقعاً به قلب او را دوست بداریم. دومین ویژگی مواسات مالی است؛ یعنی همراهی در امور اقتصادی. همراهی یعنی وقتی من کاستی دارم، برادرم برای من جبران کند و زمانی که او کاستی دارد، من برایش جبران کنم؛ این مسئله‌ای دور از ذهن نیست در گذشته نه چندان دور همسایگان در داشته‌های مالی به کمک هم می‌آمدند برای مثال اگر نیازی به ماده غذایی بود از هم تقاضا می‌کردند، حتی در حد نمک و رب و کبریت! و از هم پشتیبانی داشتند. این حمایت، تنگناها را قابل تحمل می‌کند.

سومین بایسته‌ای که حضرت رضا(ع) برشمرده‌اند، رسیدگی به اهل و عیال و خانواده یکدیگر و ویژگی چهارم کمک به برادر ایمانی در هنگام ظلم است. اگر مسلمانان نسبت به مظلوم بی تفاوت باشند، آن مظلوم از پا درمی‌آید، وقتی این ظلم اجتماعی و کلان باشد وضع بدتر هم می‌شود، اینجا بایسته است که وقتی دوست و برادر دینی من تحت ظلم قرار دارد، فوری به کمک او بروم.

پنجمین حق مؤمن بر مؤمن مربوط به زمانی است که در بیت‌المال مسلمین برای افراد جامعه سهمی را در نظر می‌گیرند (مثل کالابرگ و یارانه)، ممکن است فردی برای دریافت سهم و حق حضور نداشته باشد، اینجا برادر دینی باید حواسش به سهم او باشد، یعنی اجازه ندهد برادر ایمانی‌اش بی نصیب بماند و این بایسته‌ای مهم در روابط دینی است. یا اگر کسی از دنیا رفت باز هم مانسبت به دوست و برادر دینی که وارد عالم برزخ شده، نمی‌توانیم و نباید بی تفاوت باشیم و باید به زیارت قبرش برویم. در آموزه‌های دینی ما به زیارت قبور توصیه شده که آداب و اصول و دستاوردهایی دارد و اگر درست آدا شود، برای افراد حاضر در برزخ آثار کاربردی دارد. این یعنی مرگ، وظایف ما رانسبت به یکدیگر از بین نمی‌برد، بلکه باید ما برای آن‌ها که در برزخ حضور دارند نیز گره گشایی کنیم.



### بی‌توجهی به حقوق مؤمنین نعمت‌های الهی را سلب می‌کند

توصیه‌های امام رضا(ع) به رعایت حقوق مؤمن بر مؤمن رهاورد و آثاری دارد که اگر حواسمان باشد و رعایتشان کنیم برکات آن را می‌بینیم، اما اگر غفلت کنیم به عواقب سوء مبتلا می‌شویم. بایسته‌های تصریح شده در این کلام منسوب به امام رضا(ع) اگر در روابط بین فردی میان هر دو نفر رعایت شود مثل الگوی جامعه مدنی پس از چند سال، آرامش و صمیمیت را بر جامعه حاکم می‌کند. اگرچه کلام اهل بیت(ع) بعضاً دارای مفهوم است، عواقب انجام ندادن این بایسته‌ها نیاز به استدلال ندارد ما با دو نتیجه محسوس مواجه هستیم نخست آنکه برخی نعمت‌های الهی شامل جامعه و ما نمی‌شود، نعمت‌ها علت و معلولی است اگر اسباب و عوامل باشد نعمت اعطا می‌شود وگرنه اعطا نمی‌شود یا برخی نعمت‌ها در مقطعی زمانی اعطا می‌شود و به مرور زمان و به دلیل ناشایستگی‌ها سلب خواهد شد!

زیان دیگر بی‌توجهی به حقی که مؤمنان بر گردن ما دارند در بعد اجتماعی، ایجاد و رواج فرهنگ ناسالم است. متأسفانه این فرهنگ به خانواده‌ها سرایت می‌کند برای مثال وقتی در گفتار، آداب سخن گفتن و احترام را رعایت نکنیم در خانواده هم به تدریج چنین می‌شویم و به همسرا، خواهر و برادر خود در کلام توهین می‌کنیم و کم‌کم این بدرفتاری‌ها موجب بی‌اعتمادی می‌شود...

امروز این بی‌اعتمادی را حس می‌کنیم چون افراد می‌دانند اگر اعتماد کنند آسیب می‌بینند لذا به هم سوءظن داریم.

نقطه خطرناک‌تر دیگر آنکه در درون جامعه همیشه درصدد حل مشکلات خود به کمک دیگران هستیم، اما در رفع مشکل دیگران کمکی نمی‌کنیم!

برای مثال امروز (فارغ از مسائل و نگرش‌های سیاسی) چون شرایط غزه را نداریم می‌گوییم به من چه؟ و نمی‌گوییم ما به عنوان انسان موظف به حل مشکلات دیگران هستیم این نگاه ابزاری به دیگران در مواجهه با مشکلات، روحیه بی‌تفاوتی را حاکم می‌کند، بنابر این می‌بینیم آلودگی‌های اخلاقی اجتماعی با سرعت بسیار بالا رو به افزایش است تا جایی که سال‌ها زمان برای بازگشت به شرایط چند سال قبل نیاز داریم! این آلودگی اخلاقی هم از رواج فرهنگ «به من چه؟» ریشه می‌گیرد در حالی که آلودگی‌ها، خانواده، فرزند و عزیزان ما را هم درگیر می‌کند.

اگر این بایسته‌ها را ولو به اندازه جامعه محدود آغاز نکنیم با این واقعیت تلخ کنونی مواجه می‌شویم و کار تا جایی پیش می‌رود که برای حل مشکلات خودمان حتی دیگری را از بین می‌بریم؛ مثل محروم کردن خواهر و برادر از ارث به نفع خود. اینکه می‌بینیم و می‌شنویم گروهی به دلیل منافع کلان اقتصادی خود، دیگر انسان‌ها را از بین می‌برند این فقط در آن‌ها نیست بلکه اگر جامعه بایسته‌های اخلاقی را کنار بگذارد می‌رسیم به نقطه‌ای که برای حیات و رشد و غنی شدن خودمان دیگران را از بین می‌بریم!